

## تدبر در قرآن

با توجه به معنایی که از تدبر ارائه شد، تدبر توجه به عاقبت موضوعی است. در تدبر در قرآن، موضوع تدبر، همان موضوعات کلمات، آیات و سوره‌های قرآن است. بنابراین تدبر در قرآن نیز دارای سه جنبه فوق است:

جنبه اول: وجوه مختلف ادراک و توجه انسان از تفکر تا گرایش

جنبه دوم: وجوه مختلف عاقبت برای موجودات و یا برای هر عمل یا باور انسان و جامعه

جنبه سوم: وجوه مختلف موضوع که ممکن است پدیده‌ای تکوینی و یا رخدادی در ساحت انسان و جامعه باشد.

قرآن به عنوان موضوعی برای تدبر دارای ویژگی‌های اختصاصی است که بدون در نظر گرفتن آنها تدبر در قرآن امکان پذیر نیست.

اولین ویژگی، مربوط به ساختار قرآن است. قرآن از حروف، کلمات، جملات، آیات، عبارات و سوره‌ها تشکیل شده است. و هر یک در دلالت خود تام و کامل است.<sup>۱</sup>

دومین ویژگی مربوط به شرایط زمانی و مکانی و عناصر نزول آیات است.

سومین ویژگی مربوط به نوع جهان‌بینی برخاسته از کلام پروردگار است.

چهارمین نکته آن است که عاقبتی که در ساختار قرآن به دنبال توجه به آن هستیم، را غرض می‌نامیم. در بررسی مراتب عاقبت گفته شد که غرض نیز از مراتب عاقبت است.

طبیعی است تدبر در قرآن دارای مراتبی است که مراتب پایین‌تر تدبر برای همه افراد قابل دستیابی است ولی مراتب حقیقی آن تنها مختص به اهل بیت علیهم السلام است. لذا تدبر در قرآن به این معناست که فرد به صورت حقیقی به غرض نزول کلمات، آیات و سوره‌ها احاطه یافته، آن را در معرض توجه قرار داده و همه افعال خود را در راستای آن، جهت دهد و این مختص، «اولوالعلم» و «مخبتین» است.

برای توجه بیشتر به مطالب بیان شده، سوره‌ای را مانند سوره مبارکه کوثر انتخاب کرده و در تدبر بر مضامین سوره تلاش می‌کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (۲) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

<sup>۱</sup> ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۳۹۲: هر جمله از جملات قرآنی به تنهایی حقیقی را می‌فهماند و با هر یک از فیودی که دارد، از حقیقی دیگر خبر می‌دهد، حقیقی ثابت و لا یتغیر و یا حکمی ثابت از احکام را، مانند آیه شریفه: (قُلِ اللَّهُ تُمَّ ذَرَّهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ) که چهار معنا از آن استفاده می‌شود، معنای اول از جمله: (قُلِ اللَّهُ) و معنای دوم از جمله: (قُلِ اللَّهُ تُمَّ ذَرَّهُمْ)، و معنای سوم از جمله (قُلِ اللَّهُ تُمَّ ذَرَّهُمْ فِي خَوْضِهِمْ)، و معنای چهارم از جملات (قُلِ اللَّهُ تُمَّ ذَرَّهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ) که تفصیل آن در تفسیر خود آیه می‌آید. ان شاء الله و شما می‌توانید نظیر این جریان را تا آنجا که ممکن است همه جا رعایت کنید.

۱. همانا ما به تو خیر بسیار دادیم. ۲. پس برای پروردگارت نمازگزار و قربانی کن. ۳. البته دشمن تو، هم او بی نسل است.

این سوره درباره عطای ذریه و نسلی با برکت به رسول گرامی صلی الله علیه و آله خبر می دهد و بیان می دارد که دشمن او مقطوع النسل است.

برای تدبر در این سوره ابتدا محورها و موضوعات سوره را مشخص می کنیم.

محور اول: پیامبر و عطای کوثر

محور دوم: عکس العملی که لازم است پیامبر صلی الله علیه و آله در ارتباط با این نعمت داشته باشد.

محور سوم: وضعیت و شرح حال دشمن پیامبر صلی الله علیه و آله

با توجه به محورهای فوق، می توان در سوره، دو منظر را برای تدبر انتخاب کرد.

منظر اول: عطای به پیامبر صلی الله علیه و آله و عاقبت آن

منظر دوم: دشمن پیامبر صلی الله علیه و آله و عاقبت آن

طبیعی است هر منظری انتخاب شود، منظر دیگر را در خود دارد. برای این منظور یکی از موضوعات را مورد توجه قرار می دهیم:



نمودار ۳-۳. تدبر در سوره مبارکه کوثر از منظر «عطای کوثر»

از توجه به مواردی که در جدول فوق آمده است می توان در صدد دریافت حقایق متعددی برآمد که یکی پس از دیگری برای زندگی فرد و جامعه مهم و اساسی است و بی توجهی به آن عاقبت فرد و جامعه را به مخاطره می اندازد و سرنوشت فرد و جامعه را به آخرتی گره می زند که دائمی است و امکان تغییر در آن نیست.

این حقایق متعدد، ابتدا با تفکر در موارد زیر آغاز می شود:

- دلیل عطای کوثر به رسول مکرم صلی الله علیه و آله؛
- چیستی و آثار این عطا؛
- ارتباط این عطا به انسان‌های دیگر؛
- سیر، حرکت و سمت و سوی این عطا در زندگی بشر؛
- نوع عکس‌العمل رسول در قبال این عطا؛
- آثار و نتایج نزدیک و دوری که این عطا در عالم از خود به جا می‌گذارد؛
- تبعات آن برای کسانی که در راستای این عطا نیستند.

سپس بعد از تفکر به طور طبیعی فرد به گزاره‌هایی کلی و حقیقی در رابطه با موارد فوق دست می‌یابد و می‌تواند درباره موارد زیر معیار و میزان به دست آورد:

- ملاک‌های هم‌جهت شدن با پیامبر صلی الله علیه و آله برای بهره‌مندی از عطای کوثر
- ملاک‌های خروج از دشمنی با پیامبر صلی الله علیه و آله

در مرحله بعد از تفکر و تعقل پیرامون موضوع و عاقبت آن، هر کسی به نسبت فعالیت عقل و فکرش به شناختی در رابطه با موضوع و عاقبت آن دست می‌یابد. برخی از موارد شناخت می‌تواند درباره مسائل زیر باشد:

- شناخت مفهوم عطا در هستی و آثار و نشانه‌های آن
- شناخت کوثر و ویژگی‌ها و نقش آن در منافع فردی و اجتماعی
- شناخت دشمنان پیامبر و تبعاتی که برای آنها وضع شده است.

پس از سه مرحله فوق لازم است مطالب شناخته شده روبروی انسان قرار گیرد و بر اساس آن زندگی خود را چاره‌اندیشی کند. در این حالت فرد با توجه به گزاره‌های به دست آمده و شناخته شده، عاقبت هم‌راستایی با رسول و کوثر او را در لحظات زندگی‌اش یادآور شده و همیشه و پیوسته در تلاش است تا از قافله کسانی که از کوثر نبی بهره برده‌اند جا نماند. و البته با ذکر، توجه و یادآوری آنچه گفته شد فرد باید خود را به برنامه‌ریزی و تغییر ذائقه و عمل به آنچه برای رسیدن به مقصد لازم است تهییج کند.

در جمع‌بندی تدبیر در سوره مبارکه کوثر در واقع و زندگی حقیقی، فرد تلاوت کننده باید:

- معنای درستی از کوثر ارائه دهد. (چیستی)
- فایده وجود کوثر برای خود را در ابعاد مختلف و متناسب با وجود خویش آشکار کند. (آثار)

- در نهایت بفهمد که چنین امکانی در این عالم وجود دارد و این خبر به او رسیده است و نباید نسبت به آن بی تفاوت باشد. این نعمت که رمز جاودانگی رسول است رمز جاودانگی او نیز هست. و مهم تر از آن اینکه ممکن است در اثر غفلت، در تباهی و هلاکت قرار گیرد. (هستی)

- راه‌های بهره‌مندی از این نعمت آشکار را به او بفهماند. (طهارت)

البته مطالب فوق می‌تواند در قالب ارائه سؤال‌هایی از محضر سوره در ابعادی که ذکر شده مطرح و برای پاسخ‌گویی آن از سوره و یا سایر آیات قرآن و روایات مدد جست.

اینجاست که معنای مثانی و ضرورت آن آشکار می‌شود، زیرا برای به دست آوردن این حجم از سؤال چاره‌ای جز استفاده از سایر آیات قرآن و روایات نیست.

برخی از سؤالات تدبری سوره عبارتند از: (شما نیز در طرح این سؤالات مشارکت کنید.)

۱. تفکر درباره عاقبت عطای به پیامبر

مصادیق دشمنی با رسول چیست؟

باورها و رفتارهایی که به دشمنی رسول می‌انجامد چیست؟

کارهایی که انسان را هم جهت با رسول می‌کند کدام است؟

آثار و نتایج هم راستایی با رسول چیست؟

تبعات دشمنی با رسول کدام است؟

چگونه ما می‌توانیم از عطای خداوند به رسول بهره ببریم؟

۲. تعقل درباره عاقبت عطای به پیامبر

ملاک‌های دشمنی با رسول که ابتر کننده انسان است، چیست؟

معیارهای نزدیک شدن به ساحت پیامبر که انسان را از دشمنی با او خارج می‌سازد چیست؟

۳. علم درباره عاقبت عطای به پیامبر

ابتر بودن به چه معناست و شانیء کیست؟

معنا و مصادیق کوثر چیست؟

۴. توجه و ذکر درباره عاقبت عطای به پیامبر

کدام پیام سوره را می‌توانید هر روز با خود مرور کنید؟

یادآوری چه نکته یا نکاتی ما را به پیامبر نزدیک می‌کند؟

۵. گرایش درباره عاقبت عطای به پیامبر

فعالیت‌هایی که می‌توان برای هم جهت شدن و هم راستایی با نبی برای دریافت فیض کوثر داشت، چیست؟ (این برنامه‌ها می‌تواند فردی، اجتماعی و یا مربوط به خانواده باشد.)

آیا توجه به نسل و ذریه و طیب کردن هر چه بیشتر آن، می‌تواند ما را در این جهت یاری رساند؟

آیا فعالیت‌هایی که مربوط به نسل و ذریه پاک است، ما را به کوثر نبی متصل می‌کند؟ چرا و چگونه؟

### جمع‌بندی مطالب

ساحت تدبیر در قرآن برای انسان چه به لحاظ فردی و چه برای جامعه، ساحتی برای علم و عمل است؛ زیرا قرآن تعیین کننده خط مشی انسان و اجتماع و ارائه دهنده شناخت‌های لازم و بایدها و نبایدها برای اوست. پس ساحت تدبیر در قرآن، ساحت مدیریت و تجلی تدبیر الهی در حیات بشری است.

قرآن، مبین عاقبت هستی و انسان است. به همین دلیل تدبیر در قرآن منطبق بر تدبیر در هستی و تدبیر در حوزه اعمال انسان است. بدین ترتیب می‌توان به اختصار با دلایل قطعی بیان کرد ساحت تدبیر:

- ساحت فهم برای عمل است.
- عمل برای آخرت و بقا و ماندگاری است.
- آوردن قرآن به صحنه زندگی انسان و اجتماع است.
- چگونه مطلوب شدن برای خداوند است.
- شناخت هستی و هستی‌آفرین و قرب به هستی‌آفرین است.
- به رضایت او و خود دست یافتن است.
- مدیریت مطلوب و برنامه‌ریزی صحیح در زندگی است.

• و... ۲

---

<sup>۲</sup> این مضامین که اهدافی است بلند و تنها در اثر اجتهاد قابل دست‌یابی است در زیارت امین الله چنین آمده است:

فرحة الغری، ص ۷۴: السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمته الله و برکاته السلام علیک یا امین الله فی أرضه و حجته أشهد أنك یا امیر المؤمنین جاهدت فی الله حقَّ جهادِهِ و عملت بکتابه و اتبعت سنن نبیه صلی الله علیه و آله حتّی دعاک الله إلی جواره فقبضک إلیه باختیاره لک کریم ثوابه و الزم أعداءک الحجّة مع ما لک من الحجج البالغة علی عباده اللهم صلّ علی محمد و آله و اجعل نفسی مطمئنّة بقدرک راضیة بقضائک مولعة بذكرک و دعاءک محبة لصفوة أولیاءک محبوبه فی أرضک و سماءک صابرة عند نزول بلاءک شاکرة لفواضل نعمائک ذاکرة لسابغ آلانک مشتاقه إلی فرحة لقائک منزودة التقوی لیوم جزائک مستنّة بسنن أولیائک مشغولة عن الدنیا بحمدک و ثناءک؛ سلام بر تو ای امیر مومنین و رحمت و برکات خدا بر تو باد. سلام بر تو ای امین خدا در زمین و حجت خدا. شهادت می‌دهم که تو در خدا به نهایت درجه جهاد، جهاد کردی و به کتابش عمل کردی و از سنت‌های پیامبرش تبعیت کردی تا آن زمان خداوند تو را به سوی خودش خواند. پس تو را با اختیارش قبض کردی. بر تو باد ثواب کریم خدا. و حجتی از حجج بالغه نبود که برای الزام بندگان خدا فروگذار کرده باشی. خدا یا بر محمد و آل محمد درود فرست و نفس مرا مطمئن به قدرت خودت قرار ده و راضی به قضای تو. ... به یاد تو و دعای تو. و قرار ده مرا برای اولیای محبوبت مایه دوست داشتن و نیز محبوب در آسمان‌ها و زمین قرار ده و صابر هنگام نزول بلای از جانب تو و شکرگزار برای

---

نعمت‌هایت قرار ده. نیز مرا یادآوری کننده برای گستردگی نعمت‌هایت و مشتاق به سوی شادی دیدارت قرار ده. و نیز قرار ده مرا آنکه از تقوا توشه می گیرد برای روز جزا و مطابق با سنت اولیائت عمل می‌کند و رویگردان از دنیا به حمد و ثنای تو مشغول است.